

انگلیسی در سفر (۱)



فصل هشتم

Directions

قسمت دوم

www.sayraelt.ir

Instagram:

[@sayraelt.ir](https://www.instagram.com/sayraelt.ir)

[@sayra.lyrics](https://www.instagram.com/sayra.lyrics)

Words and Expressions

underpass / 'ʌndərpæs/ (noun) : a walkway that goes under a busy road so pedestrians can get to the other side safely

Example: In some instances it will be necessary to provide a bridge or underpass.

زیر گذر: گذرگاهی که زیر یک جاده شلوغ می رود تا عابران پیاده بتوانند با خیال راحت به سمت دیگر بروند.
به عنوان مثال: در برخی موارد لازم است یک پل یا زیرگذر تأمین شود.

overpass /flyover / 'oʊvərpæs/ 'flaioʊvər/ (noun): a structure like a bridge that allows one road to go over another road

Example: A train was going by on the overpass.

پل هوایی: ساختاری مانند پل که به یک جاده اجازه می دهد از روی جاده دیگر عبور کند.
مثال: قطاری از روی پل هوایی عبور می کرد.

zebra crossing / 'zi:brə 'krɒsɪŋ / (noun): black and white markings in the road for pedestrians to cross the road (the markings look like a zebra's stripes)

Example: Driving home one night at about 11 o'clock, through a fairly rough area, I stopped at a zebra crossing.

خط عابر پیاده: خط کشی سیاه و سفید در جاده برای عبور عابرین پیاده از جاده (نشان گذاری ها شبیه نوارهای گورخر هستند)
مثال: یک شب در حوالی ساعت ۱۱ در حال رانندگی به خانه، از میان یک منطقه نسبتاً ناهموار، در یک گذرگاه عابر پیاده توقف کردم.

pedestrian crossing /pə'destrɪən 'krɒsɪŋ / (noun): a place in the road where pedestrians can cross. Often there are traffic lights.

Example: She made her way across the road at a pedestrian crossing, and stood in front of City Hall.

خط عابر پیاده: مکانی در جاده که عابران پیاده می توانند از آنجا عبور کنند که اغلب در آنجا چراغ های راهنمایی وجود دارند.
به عنوان مثال: او از جاده در یک گذرگاه عابر پیاده عبور کرد و در مقابل شهرداری ایستاد.

crossroads /'krɒ:srəʊdz/ (noun): where two roads cross each other

Example: The tunnel to the right turned left after a short distance, while the tunnel to the left led to a crossroads.

محل تقاطع دو جاده (چهارراه): جایی که دو جاده از یکدیگر عبور می کنند.
مثال: تونل سمت راست پس از طی مسافت کوتاهی به چپ می پیچید، در حالی که تونل سمت چپ به یک دوراهی منتهی می شد.

junction /'dʒʌŋkʃən/ (noun): where one road meets another, and you can either go left or right

Example: One of Britain's worst rail accidents happened at Clapham Junction.

تقاطع: جایی که یک جاده به جاده دیگر برخورد می کند و می توانید به چپ یا راست بروید.
مثال: یکی از بدترین سوانح ریلی بریتانیا در تقاطع کلافام اتفاق افتاد.

fork in the road /fɔ:rk/ (noun): where the road divides, and you decide to go left or right

Example: Turn left at the fork in the road.

دوراهی: جایی که جاده تقسیم می شود و شما تصمیم می گیرید به چپ یا راست بروید.

مثال: در دوراهی جاده به چپ بپیچید.

Turning /'tʃ:rnɪŋ/ a road off to your left or right

Example: He must have taken a wrong turning in the dark.

جاده ای به سمت چپ یا راست شما

او باید در تاریکی یک چرخش اشتباه گرفته باشد.

Go past /goʊ pæst/continue past something so that is now behind you

Example: After you go past the church keep bearing left/right.

عبور کردن از: عبور کردن از چیزی تا اینکه پشت سرت قرار گیرد.

مثال: پس از عبور از کلیسا به چپ/راست ادامه دهید.

Go across /goʊ ə'krɒs/ cross something, like a road or crossroads

Example: You must go across the bridge then turn right.

عبور کردن: عبور از چیزی، مانند جاده یا چهارراه

مثال: باید از روی پل عبور کنید و سپس به راست بپیچید.

Go along /goʊ ə'lɒŋ/ continue down a road

Example: We go along this road to find a restaurant.

ادامه دادن مسیر: جاده را ادامه دهید.

مثال: ما در این جاده می رویم تا یک رستوران پیدا کنیم.

Go straight /goʊ streɪt ə:n/ don't turn left or right

Example: Go straight on until you come to a large white building.

مستقیم بروید: به چپ یا راست نپیچید.

مثال: مستقیم ادامه دهید تا به یک ساختمان سفید بزرگ برسید.

Go up /goʊ ʌp/ walk or drive up a hill

Example: We were just about to go up in the mountains now.

بالا بروید: بالا رفتن از تپه (پیاده، با ماشین)

مثال: ما الان می‌خواستیم کوه‌ها را بالا برویم.

Go down /goʊ daʊn/ walk or drive down a hill or a road

Example: We go down all the way to arrive to the gym.

پایین آمدن: از یک تپه یا یک جاده به سمت پایین پیاده روی یا رانندگی کنید.

مثال: ما تمام راه را به سمت پایین پیاده می‌رویم تا به باشگاه برسیم.

Go through /goʊ θru:/ pass through something, such as a tunnel or a town

Example: You shouldn't have to go through this tunnel alone.

عبور کردن: عبور کردن از چیزی مانند تونل یا شهر

مثال: شما نباید به تنهایی از این تونل عبور کنید.

Cross / krɒs/ to go or stretch from one side of something such as a road, river, room etc to the other

Example: If you cross the street, you'll find a bookstore there!

رد شدن: رفتن یا کشیده شدن از یک طرف چیزی مانند جاده، رودخانه، اتاق و غیره به طرف دیگر

مثال: اگر از خیابان رد شوید، یک کتابفروشی در آنجا پیدا خواهید کرد!

around the corner /ə 'raʊnd ðə 'kɔ:rnər/ not far away / very near

Example: The museum is just around the corner.

اطراف، حوالی: نه دور / خیلی نزدیک

مثال: موزه در همین نزدیکی است.

Behind /bɪ 'haɪnd/ at or towards the back of a thing or person

Example: There's a nice park behind the parking lot.

پشت: در یا پشت یک چیز یا شخص

مثال: یک پارک زیبا پشت پارکینگ وجود دارد.

turn back / go back /tɜ:rn bæk/ to return to a place that you have just come from

Example: If you get to the bridge, you went too far, you'll have to turn back.

برگشتن: برگشتن به جایی که تازه از آنجا آمده ای.

مثال: اگر به پل برسید، خیلی جلو رفته اید، باید به عقب برگردید.

Beside /brɪ'saɪd/ next to or very close to the side of someone or something

Example: My school is beside a small park.

کنار: در کنار یا خیلی نزدیک به کنار کسی یا چیزی

مثال: مدرسه من در کنار یک پارک کوچک است.

Near /nɪr/ only a short distance from a person or thing

Example: I live near the forest.

نزدیک: فقط یک فاصله کوتاه از یک شخص یا چیز

مثال: من در نزدیکی جنگل زندگی می کنم.

In front of /frʌnt/ in a position that is further forward than someone or something but not very far away

Example: The car in front of me stopped suddenly and I had to brake.

در مقابل، جلو: در موقعیتی که جلوتر از کسی یا چیزی است اما خیلی دور نیست.

مثال: ماشین جلوی من ناگهان ایستاد و من مجبور شدم ترمز کنم.

Exercise

Choose the correct words/phrases to correctly complete the following QUESTION and ANSWER pairs:

1) Q: Do I keep going _____? A: No, you have to turn at the next intersection.

- a) straight b) left

2) Q: Is the post office next to the bank? A: No, it's _____ the bank.

- a) across from b) across

3) Q: Am I going the right _____? A: Yes, you are.

- a) direction b) way

4) Q: Is this the _____ to Indianapolis? A: No, you're on the wrong highway.

- a) way/road b) point

5) Q: Where's the _____ gas station/bank/hotel, etc.? A: It's about 2 blocks from here.

- a) near b) nearest



سایرا یک اپلیکیشن آموزش زبان انگلیسی در بستر اندروید است که شما می توانید زبان انگلیسی را با استفاده از آن در قالب تمرین های استاندارد تعاملی، چند مهارتی و هوشمند فرا بگیرید.

از مولفه های اصلی سایرا، استفاده از روش CLT، محتوای تولید شده ی بومی و استاندارد، ارائه دروس روزانه رایگان، لیگ کاربران، آنالیز آموزش و یادگیری، استفاده از گیمیفیکیشن، مشاوره ی سیستمی و استفاده از زبان فارسی به عنوان راهنمای یادگیری می باشد.

شما می توانید اپلیکیشن سایرا را از وبسایت ما یا بازار و مایکت به سادگی دریافت نمایید و وارد دنیای جدید زبان آموزی شوید.

همچنین می توانید با دنبال کردن صفحات ما در اینستاگرام و آپارات از ویدئو های آموزشی ما استفاده نمایید.

@Sayraelt.ir @sayralyrics

www.aparat.com/sayraelt_official



در صورت بروز هر گونه مشکل با شماره ی ۰۹۱۱۴۲۵۰۲۸۵ تماس حاصل فرمایید.